

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

تاریخی	Historical
--------	------------

۸ جولای ۲۰۰۸

ملالی موسی نظام

به تقدیر از محصل استرداد استقلال افغانستان یادی از وحدت ملی، قانونیت و حقوق زن افغان

امروز ۸۹ سال از استرداد استقلال افغانستان عزیز از دولت برتانیه وقت که بر نیمی از جهان به شمول نیم قاره هند حاکمیت و تصرف داشت میگذرد. این ودیعه گرانبهای ملی با جان فشانی ملت با شهامت افغان که تصرف اجنبی را بر خاک مقدس وطن هیچگاهی تحمل نمیتواند و با همت و کاردانی فرزند صدیق کشور، شاه امان الله افغان از سوپر قدرتی حاصل گردید که در امپراطوری وسیع آن آفتاب هرگز غروب نمینمود. در عصر و زمانی که مستعمره جویی و کلونیالیزم برای فراهم نمودن زندگی و اقتصاد بهتر ممالک صنعتی اروپایی، دیگر چون و چرایی در قبال نمیتوانست داشته باشد، افغانستان آزاد در ۱۸ اگست ۱۹۱۹ عیسوی مطابق به ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی، با خود مختاری دولتی و آزادی داخلی و خارجی در زمره ممالک مستقل جهان تبارز مینماید. در بیانیه مهمی که شاه امان الله در آنزمان در مسجد عید گاه شهر کابل ایراد فرمود چنین بیان داشت:

اول بر همه رعایای صدیق ملت نجیبه خود این را اعلان و بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام!!
اعلیحضرت بار دیگری در همین مسجد بیان داشت که:

ملت عزیز من، من این لباس سر بازی را از تن بیرون نمیکنم تا که لباس استقلال را برای مادر وطن تهیه نسازم!!
شاه جوان افغانستان در سفری که بعداً در سال ۱۳۰۴ هجری به قندهار نمود، بعد از ادای نماز در خرقه شریف خطاب به مردم آنجا گفت که:

هر کس در افغانستان زندگی میکند، بدون استثنا افغان گفته میشود، پس درانی، غلجائی، اچکزائی و اوپره چه معنی دارد؟؟ هندو، هزاره، شیعه، سنی، احمد زائی و پوپلزائی نداریم، بلکه همه یک ملت هستیم، آنها افغان. نزد من همه افغانها برادرند!!
اینکه وحدت ملی و برابری همه اقوام و گروه های مذهبی ایکه مجموعاً ملت افغان را تشکیل میدادند، در نزدیک به نه دهه قبل، از امروز تا چه حد پیش یک رهبر جوان دارای ارزش بود، مقام او را بدون شك در صدر اوراق درخشان تاریخ به درجه اعلی درج مینماید.

شاه جوان در پهلوی تغییرات بنیادی ایکه در اکثر ساحه های اجتماعی، اقتصادی، معارف و عسکری وارد نمود، در زمان کوتاهی با تشکیل لوی جرگه ها برای حکومت قانون و اجرای احکام آن همچنان اقدام ورزید، چنانچه اولین قانون اساسی معتبر و جامع را که دران به حقوق زن و مرد یکجا ارج گذاشته شده بود روی کار نمود. مطابق این قانون یا نظام نامه اساسی که در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی بمیان آمد، وحدت ملی آرمان

بزرگ محتوی این اوراق ارزشمند ملت افغانستان شناخته شد که به اساس آن تمام اتباع برطبق شریعت و قوانین دولت از حقوق و وجائب مساوی برخوردار بودند... درحالیکه همه قوانین اساسی بعد از آن نظام نامه به تقلید و پشتیبانی از آن چنین ماده ایرا در متون خویش گنجانیدند. قانون اساسی اخیر که اکثریت مواد آن در اجتماع امروز افغانستان « عملاً » مری الاجرا نمیشاد، بر عکس عصر امانیه، تا بحال در اثر فقدان حکومت قانون، برای ملت محروم و مظلوم مفهومی نمیتواند داشته باشد.

در عصر درخشان اما نیه به همت و علاقمندی شاه ترقی خواه و فامیل منور و حقجوی وی، در قسمت حقوق بشر و حقوق زن گامهای فوق العاده مفید و ارزنده ای برداشته شد که حتی در ممالک همجوار و منطقه بی سابقه و استثنایی بود. در یکی از روزنامه های ایرانی خواندم که زنان ایران دران عصر از آزادی و ارزش های که در پناه قانون برای زن مسلمان افغان عصر امانیه داده شده بود به حسرت و نا امیدی یاد مینمودند و بر مزایای جامعه نسوان افغان آن دوره درخشان غبطه میخوردند. درین مختصر نگاهی به قسمتی از نو آوری های عصر امانیه در قسمت حقوق زنان و شکوفائی معارف برای نسوان مملکت می اندازیم. درین قسمت باید در پهلوی نظریات ترقیخواهانه و ملی شاه جوان افغانستان، از مساعی و توجه خاص ملکه دانا و مدنیت پرور وی، علیا حضرت ملکه ثریا صبیبه مرحوم محمود طرزی میباشد یاد آوز گردیم که نو آوری های پدر در اجتماع افغانی بصورت وسیع، علی الخصوص در قسمت معارف و مطبوعات و مدنیت عصری آنزمان، مقام ارزنده ای را در تاریخ برای وی اعطا نموده است.

محترم داکتر سید عبدالله کاظم بعد از تحقیق و مطالعات جامعی ای که در احوال زن افغان در جریان تاریخ نموده است، در اثر بارزش خویش تحت عنوان « زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد » در صفحه ۱۴۰ به ارتباط به عصر درخشان امانی و مواد قانون اساسی آن دوره چنین مینویسد:

ماده ۱۶ « کافه تبعه افغانستان » را که شامل مرد و زن میشوند، به حضور قانون و شریعت دارای حقوق مساوی در برابر دولت میدانند و هم در ماده بعدی به آنها حق استخدام مساوی را در دوائر ملکی دولت اعطا میکند. قید دوائر ملکی بصورت غیر مستقیم به حقوق زنان اشاره میکند، زیرا زنان در دوائر نظامی حق شمول را نداشتند. این ماده به زنان افغان حق میدهد که با حفظ ستر اسلامی، ولی بدون چادری در دوائر ملکی دولت، مثل مرد ها کار کنند. باید اعتراف کرد که در جامعه عنعنوی و مرد سالاری افغانستان، جایکه زن هویت مستقل نداشت و جزء ملکیت شوهر محسوب میشد، اعطای چنین حقوق به آنان در شرائط آنوقت واقعا یک حرکت انقلابی بود.

در پهلوی بی شمار موسسات و مکاتب نسوان و شفاخانه ها درین عصر ارزنده، حقوق زن افغان در بسی موارد حمایه و پشتیبانی گردید، از آن جمله باز هم به کتاب مذکور در مورد « نظامنامه نکاح و عروسی » نظر مختصری می اندازیم :

یکی از نظام نامه هائیکه در رابطه با حقوق نسوان اهمیت داشت و مواد آن مورد انتقاد و عکس العمل شدید وکلای ملت در لویه جرگه ۱۹۲۴ قرار گرفت قیود جدید بر شرائط ازدواج بود. در قانون جدید ازدواج محدود بیک زن گردید و گرفتن زن دوم و سوم ممنوع شد .

محترم داکتر کاظم جای دیگری مینویسد : علاوتا این قانون یا نظامنامه مالیات جدیدی را بر نکاح زن دوم تعیین کرد و عمر ازدواج را برای مردان سن ۱۸ و برای زنان سن ۱۷ مقرر نمود. بر طبق این قانون باید همه عقود نکاح در محکمه ثبت شوند و ماده ۱۵ آن تمام پیشکش های پولی و جنسی را بنام شیر بها، طویانه، ولور و غیره که معمولاً به پدر عروس از طرف داماد داده میشد، ممنوع ساخت.

در مورد رفع حجاب در قسمتی ازین اثر با ارزش در « صفحه ۱۴۸ » آمده است :

آزادی زنان از قید برقع « چادری » و سهم آنها در کار و فعالیت های اجتماعی، یکی از آرزو های اولی شاه امان الله بود که اساس آنرا محمود طرزی با نوشتن مقالات متعدد، در سراج الاخبار گذاشت. ملکه ثریا نیز زیر تاثیر نظریات به خواهانه پدر و حمایت بیدریغ شوهر، درین راه از همان روز های اول سلطنت شوهرش دست به کار شد. با تاسیس مکتب مستورات، ملکه به کمک مادر و خواهران خود و یک تعداد دیگر خانم های دربار، نخست به فکر تعدیل چادری دلاق برآمد و کوشید چادری نسبتاً آزاد تر را در بین زنان مروج سازد، چادری مکتبی را بین زنان نیمه جوان انکشاف داد که شامل یک پیراهن و دامن دراز و یک چادر بزرگ تر در سر بود. خواهران ملکه نمونه دیگر چادری را از تکه کم وزن به رنگ سیاه برای دختران جوان و زنان طراحی کردند که عبارت بود از یک دامن دراز تا بند پاها و یک یالان دراز نیم تنه بدون آستین که بروی شانه انداخته میشد و یک دستمال از عین تکه که موها را میپوشانید . جراب های ضخیم و دستکش ها بدست، واقعاً که ابتکار بسیار جالب و درعین زمان عملی و سهل بود. این چادری را بنام چادری قندهاری هم یاد مینمودند.. چنانچه مطالعه گردید، در عصر اعلیحضرت امان الله غازی و ملکه مترقی ای وی ، حقوق زن افغان و حمایه از آن از نو آوری های آن عصر و زمان بود. افسوس که دست جنایتکاران استعماری داخلی و خارجی در بر انداختن چنان رهبر ملت پرور و ترقیخواهی با فعالیت های غیر ملی و تحریکات مخرب علمای مذهبی، با فکر و عقاید ملت افغان بازی نموده و با شورش و انقلاب مصنوعی و با آوردن یک دزد سر گردنه که از نعمت

تحصیل، شرافت و اخلاق افغانی و اسلامی بویی نبرده بود، دولت مترقی عصر درخشان امانی را به اضمحلال و مملکت را با چوروچپاول و وحشیگری به انحطاط موجه نمودند. این نابکارانکه هویت شان در اوراق تاریخ مملکت همیشه ثبت است برای خویش شرمندگی و خفت و در حق ملت و زادگاه و وطن خویش بربادی و عقب گرایی را کمایی نمودند. ای بسی آرزو که خاک شده!!

در خاتمه به روح همه پاسداران و شهدای راه استقلال و حریت وطن عزیز درود فرستاده و به محصل استقلال افغانستان، اعلیحضرت امان الله خان غازی و ملکه دانا و با کفایت وی، تهنیت و سپاس بی پایان میفرستیم.

زنده و آزاد باد افغانستان، سربلند باد ملت با شهامت افغان

نوٹ: بیانیه های اعلیحضرت غازی از مضمون محترم سیستانی در همین سایت اقتباس گردیده است.